|  |
| --- |
| نقش فضاهای بی دفاع در بروز آسیب های اجتماعی(محله های هرندی و عودلاجان؛ شهرداری منطقه 12 تهران)**علی توکلی یرکی\* 1.**1. کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری گرایش آمایش سرزمینی دانشگاه شهید بهشتی تهران ایران
 |
| **The role of defenseless spaces in social harm (Hurrandi and Oudlajan Neighborhoods, District 12 of Tehran Municipality)**Ali tavakoliyaraky 1.1. Master of Urban Planning, Department of Land Planning, Shahid Beheshti University, Tehran Iran
 |
|  |
| \*Corresponding Author: Ali tavakoliyaraky E-mail: tavakoliyaraky@yahoo.com |
| **چکیده** |  |

 توجه به کاهش ناامنی های شهری از جمله مسایل مهم در دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی است. فضهای بی دفاع فضاهای ناامنی هستند که از وقوع جرایم بیشتری برخوردادرند. وجود مناطق جرم خیز در سطح شهر تهران از مهم ترین نگرانی های مسئولان سیاسی، اجتماعی و امنیتی است. وجود و گسترش فضاهای بی دفاع در شهر تهران عامل مهمی در پائین آمدن کیفیت زندگی است. محله هرندی یکی از محلات بهسازی شده واقع در منطقه 12 تهران است که به عنوان یکی از محلات پر جرم و جنایت در سطح شهر مطرح می باشد. این بافت به دلیل ویژگیهای خاص خود از نظر کالبدی بستری مناسب را جهت رشد و شکل گیری مکانهای جرم خیز دارا می باشد. این پژوهش در صدد پی بردن به نقش ساختار فیزیکی-کالبدی بافتهای نوساز و فرسوده در وقوع جرائم در مناطق بهسازی شده محله هرندی به عنوان بافت نوساز و محله عودلاجان بعنوان یکی از محلات بافت فرسوده و بهسازی نشده در منطقه 12 تهران بود. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نوع تحقیقات کاربردی است. نگرش تحقیق دیالکتیک اجتماعی-فضایی بود. بر اساس ماهیت داده ها در زمره تحقیقات با رویکرد ترکیبی یعنی تلفیقی از روشهای کمّی و کیفی بود و روش گردآوری داده ها از دو طریق کتابخانه ای و میدانی انجام گرفت. داده های اسنادی شامل آمارنامه ها، گزارشات و طرح های انجام شده شهرداری و سایر مراکز ذیربط با موضوع بود. داده های میدانی از طریق پرسشنامه و مصاحبه انجام شد. از طریق فعالیت پیمایشی به جمع آوری و ثبت اطلاعات مکانی در ارتباط با فضاهای بی دفاع مبادرت شد. با توجه به ماهیت داده های تحقیق که کمی و کیفی بود از روشهای مناسب آماری برای توصیف، تحلیل و تفسیر داد ه ها استفاده شد. در این راستا از نرم افزار های مناسب آماری چون Spss و نرم افزارهای مناسبی چون Arc GIS وArc View و اکستنشن های مربوطه برای نمایش و ارائه داده های مکانی گردید. در مجموع نتایج نشان داد که میزان امنیت در محلهعودلاجان در سطح مطلوبی نیست و میزان امنیت در محله هرندی در سطح متوسط ارزیابی شد. در این بررسی به متغیرهایی از جمله امنیت، نظارت طبیعی، نورپردازی، حفاظت و مدیریت، ویژگی های فیزیکی و اجتماعی پرداخته شد. طبق يافته هاي به دست آمده مي توان گفت كه در بي دفاع شدن فضاهاي شهري هر دو بعد فيزيكي و اجتماعي فضاهاي شهري مؤثرند و نظرياتي كه تنها بر يك بعد از ويژگي هاي فضاهاي بيدفاع براي كنترل خشونت توجه كرده اند (چه فيزيكي، چه اجتماعي) نمي توانند كليت فضاهاي بي دفاع را به طور متناسب نشان، داده سبب كاهش خشونت شوند.

**واژه­هاي کليدي**

فضای بی دفاع، مدیریت شهری، آسیب اجتماعی، شهرداری، شهرسازی.

**Abstract**

Due to the reduction of urban insecurity among the important issues in achieving sustainable development of society. Spaces defenseless insecurity that crime more. There are hot spots of the most important concerns of the authorities in Tehran, political, social and security. There are defenseless and Open Spaces in Tehran is a major factor in poor quality of life. Harandi the neighborhood improvement district is located in District 12 of Tehran as a high-crime neighborhoods in the city are raised. This is because of their distinct characteristics in terms of physical structure suitable for the growth and formation of high crime areas is capable of. This study aims to understand the role of physical-physical structure of new tissues and worn on crime in the neighborhood Harandi improved as new tissue and Odlajan neighborhood as the neighborhood is not the old context and Improvement District 12 of Tehran. This research method is descriptive-analytic and applied research. Dialectical view of social-space research. Based on the nature of the data with research among hybrid approach that combines qualitative and quantitative techniques and data collection of the library and field study. Document data, including statistics, reports and plans of the municipality and other relevant institutions on the topic was conducted. Field data through questionnaires and interviews were conducted. Through a survey to collect and record the location information associated with unprotected conducted spaces. Due to the nature of quantitative and qualitative research data that was appropriate statistical techniques to describe, analyze and interpret the data were used. In this context, appropriate statistical software and software as well as Spss Arc View and Arc GIS and its extensions to display the location and was presented. The results showed that the level of security in the neighborhood Odlajan is not desirable and the security in the neighborhood Harandi was evaluated at a moderate level. The survey variables, including security, natural surveillance, lighting, protection and management, physical and social characteristics was studied. The results obtained can be said in defense of the urban spaces both physical and social urban spaces and ideas that affect only one dimension of space characteristics of the defenseless attention to control violence have (whether physical the community) can defenseless whole areas are appropriately represented, has reduced violence.

**Keywords:** Defenseless space, urban management, social damage, municipality, urban planning.

**1- مقدمه**

بزه یک مشکل اجتماعی است که زندگی هزاران نفر از مردم را هر سال تحت تاثیر قرار می دهد. بزهکاری ترس و ناامنی را در درون جوامع، در برابر اشخاص واموال آنها تولید می کند. جرمهایی نظیر دزدی، نقض قانون؛ هتک ناموس کردن، قتل و. . تهدیدهای جدی در برابر امنیت جامعه هستند. ودر نتیجه ترس از جرم می تواند به محدودیت آزادی، حرکت آزادانه مردم در فضا، وجلوگیری از مشارکت کامل آنها در جامعه کمک کند(Kian Hoon,2003,1). تجارب گذشته وبررسیهای جهانی نشان می دهد که صرف تعقیب کیفری ومجازات مجرمین برای مبارزه با تبهکاری کافی نیست وبه طور یقین تا عوامل جرم در جامعه موجود باشد، مبارزه با مجرم به عنوان معلول، علی رغم بودجه عظیمی که در این امر صرف می شود، فایده ای ندارد. آمارهای موجود در کشورهای جهان نشان می دهد پیشگیری از جرم از طریق افزایش نیروهای پلیس، تدابیر شدید امنیتی، صدور احکام ومجازاتهای شدیدترواحداث زندانهای بیشتر از موفقیت لازم برخوردار نبوده است. بسیاری از کشورها به روش انتزاعی ومجرد به مقابله به (نفس جرم)پرداخته واین پدیده نامطلوب را جدای از شرایط مکانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی حاکم در حال ارتکاب توسط بزهکار در نظر می گیرند. این در حالی است که نخستین گام مبارزه با تبهکاری، از بین بردن عوامل جرم زا ویا حداقل کاهش اثرات آن می باشد. در قرن گذشته جغرافیدانان و جرم شنا سان با تاکید بر این مسئله که؛ بزه درظرف مکان و زمان روی می دهد، به این نتیجه ر سیده اند که با تمرکز بر مؤلفه زمان ومکان می توان میزان بزهکاری را کاهش داد. این عقیده به پیدایش دیدگاههای نوینی در ییشگیری از جرم منجر شده است(کلانتری وهمکاران، 1388، 52). نگرش پیشگیری بزهکاری با طراحی محیطی، از جمله مطرح ترین این نگرش ها ست. از جمله نگرش‌های مطرح در این زمینه دیدگاه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) است. مطابق این نگرش با طراحی مناسب و استفادۀ موثر از محیط امکان میزان ناامنی و بروز بزهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را ارتقاء بخشید (356,Cozens, Saville and Hillier, 2005, pp. 328). یکی از مهمترین مسائل شهری به ویژه در کلانشهر ها مسئله"جرم" و "نا امنی" است. همه ساله هزاران تن در شهر ها قربانی خشونت های پیدا و پنهان می شوند. توزیع مکانی وقوع جرائم در شهر های بزرگ نشانگر تفاوت های چشمگیر بین نواحی مختلف شهر می باشد. در این ارتباط فضا های ناامن که اصطلاحا" به فضاهای "بی دفاع " معروفند از وقوع جرائم بیشتری برخوردارند. این در حالی است که نیاز به امنیت همواره از بنیادی ترین نیازهای انسانی در جامعه بشری به شمار می رود. اهمیت توجه به کاهش نا امنی های شهری به منزله ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان جهت دست یافتن به توسعه پایدار اجتماعی در شهرهاست. از این رو بررسی چگونگی نقش ساختار کالبدی- فیزیکی پاره ای از مناطق شهری در ارائه فرصتهایی برای بروز ناهنجاریهای اجتماعی نه تنها می تواند به شناخت بیشتر مسئله کمک کند بلکه ضرورت توجه به نوسازی، بهسازی و تخصیص بهینه کاربریها جهت کاهش فضاهای ناامن را نیز مطرح می سازد. در حقیقت فضاهای خاصی از شهر می توانند با فراهم آوردن فرصتهای متفاوت زمینه ساز جرایم متفاوت شوند. در برخی محدوده ها به دلیل ویژگیهای کالبدی خاص حاکم بر آن، وقوع جرائم بیشتر می باشد بدین ترتیب در محدوده شهرها کانونهایی شکل می گیرد که دارای فرصتها و اهداف مجرمانه بیشتر و میزان جرایم بالاتری است. از آنجا که الگوی های فضایی توزیع بزهکاری تحت تاثیر نوع کاربری اراضی و ویژگیهای کالبدی می باشد این عوامل در شکل گیری کانونهای جرم خیز تاثیر می گذارد. در واقع محیط می تواند نقش مهمی در بروز جرائم مختلف داشته باشد این جرائم در فضاهای مستعد شهری امکان بروز و ظهور بیشتری می یابند زیرا ساختار فضایی می تواند به عنوان عامل بازدارنده یا تقویت کننده در بروز و رشد رفتارهای نابهنجار اجتماعی تاثیر بگذارد. مکانهای پر جمعیت شهری، میدان های بزرگ، پایانه ها، مناطق حاشیه ای شهر، بافتهای فرسوده، فضاهای متروکه درون شهری و فضاهایی از این دست، شرایط مساعدتری را برای بروز رفتار نابهنجار ایجاد می کند(رئیس دانا، 1380، ص2). گسترش فیزیکی بدون برنامه شهر تهران در نتیجه رشد بی رویه جمعیت و بی توجهی به عوارض ناشی از تاخیر در نوسازی و بهسازی مناطق مختلف شهری منجر به فراوانی بافتهای فرسوده شده است که شرایط فیزیکی مستعدی را برای وقوع جرم فراهم می سازند. وجود مناطق جرم خیز در سطح شهر تهران از مهم ترین نگرانی های مسئولان سیاسی، اجتماعی و امنیتی است. وجود و گسترش فضاهای بی دفاع در شهر تهران عامل مهمی در پائین آمدن کیفیت زندگی است. محله هرندی یکی از محلات بهسازی شده واقع در منطقه 12 تهران است که به عنوان یکی از محلات پر جرم و جنایت در سطح شهر مطرح می باشد. این بافت به دلیل ویژگیهای خاص خود از نظر کالبدی بستری مناسب را جهت رشد و شکل گیری مکانهای جرم خیز دارا می باشد. این پژوهش در صدد پی بردن به نقش ساختار فیزیکی-کالبدی بافتهای نوساز و فرسوده در وقوع جرائم در مناطق بهسازی شده محله هرندی ( مثل: میدان رجب علی خیاط، معبر خیام و. . . ) بعنوان بافت نوساز و محله عودلاجان بعنوان یکی از محلات بافت فرسوده و بهسازی و در حال بهسازی شده در منطقه 12 تهران بوده و در این راستا به بررسی تاثیر کاربریهای متفاوت در وقوع جرائم متفاوت در جهت ارائه راهکاری موثر نیز می پردازد. لذا با توجه به مباحث مطرح گردیده سوال تحقیق این است که:

آیا وقوع بزهکاری و شکل گیری کانونهای جرم خیز در محدوده های مورد بررسی می تواند تحت تاثیر فرسودگی بافت و نوع کاربری های آن باشد؟

**2- سابقه تحقيق**

در زمينه تأثير عوامل محيطي و همچنين شرايط اجتماعي در بروز جرم تحقيقاتي توسط دانشمندان چون ”پيناتل[[1]](#footnote-1)“، ”ساترلند[[2]](#footnote-2)“، ”استفاني[[3]](#footnote-3)“و. . . انجام شده است. در سال” 1935راسن[[4]](#footnote-4)“با بررسي آمارهاي قضايي انگلستان و ولز مطالعاتي در زمينه جغرافياي جنايت به عمل آورد. اين محقق نواحي انگلستان و ولز را به حوزه هاي كشاورزي، كارخانه اي، معدني و متروپليتن تقسيم مي كند و در مطالعات خود به اين نتيجه مي رسد كه تراكم جمعيت يكي از عوامل اصلي افزايش جرم و جنايت است.

از دهه 1960 به بعد، علاقه فزاينده اي نسبت به مطالعه نقش محيط در بزهكاري و در نقطه مقابل تأثير شرايط محيطي در پيشگيري جرم شكل گرفت. ”جين جاكوبز“ از جمله پيشروان اين ايده بود وي در اثر معروف خود تحت عنوان”مرگ و زندگي شهرهاي بزرگ آمريكا“ كه در سال 1961 انتشار يافت. بحث مهم نوع طراحي شهرها و تأثير آن در كاهش بزهكاري و همچنين مراقبت هاي طبيعي و معمولي مردم در پيشگيري از بزهكاري را مطرح نمود.

در سال1969 ”جفري “نخستين كسي بود كه عبارت ”پيشگيري از جرم و جنايت از طريق طراحي شهري“ را به كار برد. او به برنامه ريزي شهري و طراحي ساختارهاي شهري و واحدهاي همسايگي به منظور كنترل و پيشگيري از جرم و جنايت تأكيد داشت. به نظر او مراقبت هاي طبيعي شهروندان از طريق طراحي ساختما نها و فضاي شهري عامل مهم كنترل جرائم شهري است(کوزن، 2000؛10).

به نظرجاكوبز“CPTED”بهترين ابزار براي كاهش جرم از طریق فرصت هاي محيطي است. اين تئوري بر تئوری پيشگيري جرم از طريق طراحي و برنامه ريزي مناسب محيط تأكيد مي نمايد كه مي تواند منجر به كاهش فرصت هاي وقوع جرم و بهبود زندگي مردم شود.

در سال 1973 در راستاي انديشه هاي پيشگيري جرم ”اسكار نيومن“ديدگاه فضاي مقاوم در برابر جرم (فضاي قابل دفاع) را مطرح كرد. مطالعه نيومن پاسخي به ميزان بالاي جرايم در شهرهاي آمريكا بود. به اعتقاد او فضاهاي مقاوم در برابر جرم امكان مناسبي براي بازساخت محيط مسكوني شهرها فراهم مي آورد تا بدين وسيله محيط امن و سالمي در شهرها براي زندگي ايجاد گردد. وي عقيده داشت ايجاد تغييرات فيزيكي در محيط جهت كاهش جرم اغلب موجب واكنش از طرف مجرمين مي شود. بدين صورت كه بزهكاران مجبور به تغيير در رفتار خود يا تغيير محل ارتكاب جرم مي شوند(عبداللهي، 1383).

اين يافته ها كمك مؤثري به پيشگيري از جرم از طريق طراحي مناسب تر محيط هاي شهري همراه با امكان كنترل اجتماعي و نظارت غيررسمي شهر، شناسايي كانو نهاي جر م خيز و كنترل بهتر اين مكا نها و تغيير آنها به فضاهاي مقاوم در برابر جرم نموده است. نکته محوری این موضوع این است که محیط نقش مهمی در ایجاد ایمنی دارد ومحیط های خاص می توانند احساس امنیت را ایجاد کنند. در حالیکه؛ برخی دیگر از این محیط ها منجر به ترس وهراس در افراد می شوند. واگر محیط به نحوی طراحی شود که موجب بهبود نظارت افراد شودواحساس تعلق ساکنان را نسبت به قلمرو خود افزایش داده وتصویری مثبت از محله ایجاد می کند؛فرصتهای مجرمانه کاهش خواهد یافت ومجرمان از ار تکاب جرم بازخواهند ماند(کوزن، 2005؛238).

کشور ما با اینکه بسیار دیرتر از کشورهای غربی در زمینه تاثیر محیط بررفتارهای مجرمانه مطالعات وتحقیقاتی شروع کرده، اما طی سالهای اخیر پژوهش های زیادی در زمینه بزهکاری وتاثیر محیط بر وقوع انواع بزه صورت گرفته است. از جغرافیدانان پیشگام در این زمینه می توان به پژوهشهای دکتر حسین شکویی، دکتر کی نیا، و دکتر مافی اشاره نمود که راهگشای دیگرپژوهشها در این مورد بوده اند. در سالهای اخیر نیز پژوهشهای زیادی در رابطه با تاثیر محیط بر بزهکاری صورت گرفته است. لذا مهمترین این بررسی ها را در قالب رساله های دانشگاهی، مقالات وپژوهشهای موردی می توان تفکیک نمود که به قرار ذیل است:

نوشته محمد رضا رحمت در اثری با عنوان پیشگیری از جرم از طریق معماری وشهرسازی به راهکارهای نوین پیشگیری از جرم پرداخته است، برنامه ریزی شهری برای پیشگیری از جرم تالیف ریچارد اشنایدر وتدکیچن با ترجمه فرزان سجودی به اصول ونظریه های اولیه برنامه ریزی پیشگیری مکان بنیاد از جرم پرداخته است؛ همچنین پایان نامه های کارشناسی ارشد و دوره دکتری محسن کلانتری با عناوین بررسی نقش محیط جغرافیایی در وقوع جرم؛قاچاق مواد مخدر در شهر تهران(1374)؛ و بررسی جغرافیای جرم وجنایت در مناطق شهر تهران (1380)، پایان نامه کارشناسی ارشد خانم عبداللهی با عنوان؛ پیشگیری از جرم از طریق برنامه ریزی کاربری اراضی شهری با نمونه موردی جرم سرقت در شهر تهران (1383)، پایان نامه کارشناسی ارشد جلال کامران نیا با عنوان تحلیل الگوی فضایی وآینده نگری جرم در شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد پودراتچی با عنوان فضاهای بدون دفاع (1380)، مقاله دکتر اسماعیل صالحی با عنوان نقش اسایش محیطی فضای شهری در پیشگیری از ناهنجاریهای رفتاری (1386)، پایان نامه ارشد کاظم جباری با عنوان شناسایی وتحلیل فضایی کانون های جرم خیز شهری با استفاده از GIS مورد مطالعه بخش مرکزی شهر تهران، و(. . . . ) قابل ذکرند که بیشتر در حیطه بررسی نقش محیط جغرافیایی در وقوع بزهکاری و با هدف تحلیل مکانی جرائم انجام شده است.

قرایی و دیگران(1389)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری(نمونه موردی: مناطق 2 و 11 تهران)، پرداخته اند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی و شیوه گردآوری داده­ها اسنادی- پیمایشی می باشد که برای ارزیابی و تجزیه و تحلیل بهتر اطلاعات از طریق پرسشنامه ای که طرح شده از ساکنین نظرخواهی شده است و سپس اطلاعات از طریق تحلیل آماری مورد بررسی قرار گرفته اند. یافته های پژوهش بیانگر این بوده است که تفاوت های معناداری میان میزان حس امنیت در دو محله مورد بررسی وجود ندارد و مردم در انتخاب فضاهای ناامن در کل شهر تفاهم نسبی دارند. اکثریت آن ها محله های پایین شهر، حاشیه ساختمان های نیمه کاره و کوچه های خلوت و تاریک را، فضاهای با امنیت کم ارزیابی می کنند.

محسنی تبریزی و دیگران(1390)، در مقاله ای تحت عنوان فضاهاي بي دفاع شهري و خشونت (مطالعه موردي فضاهاي بي دفاع شهر تهران)، به بررسی و تحلیل عوامل موثر در شکل گیری خشونت و آسیب های اجتماعی در فضاهای بی دفاع شهری در سطح شهر تهران پرداخته اند. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی- تحلیلی و شیوه گردآوری داده ها اسنادی- پیمایشی می باشد. نتایج بدست آمده بیانگر آنست که که وجود روشنايي و نور مناسب و عدم تراکم ساختماني، از ويژگي هايي هستند که فضاهاي داراي کيف قاپي را از ديگر فضاها تفکيک مي کند. عدم پيوند ارتباطي با فضاهاي نمايان، وجود نقاط فرو رفته و يا برآمده، داشتن مرز و محدود مشخص و کم بودن ساختمان ها نيز از ويژگي هاي تفکيک کننده فضاهاي داراي نزاع و درگيري از ديگر فضاها هستند. توالي و امتداد نيز از ويژگي هاي متمايزکننده فضاهاي داراي مزاحمت از ديگر فضاها هستند.

**3- روش تحقیق**

روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نوع تحقیقات کاربردی است. نگرش تحقیق دیالکتیک اجتماعی-فضایی است. بر اساس ماهیت داده ها در زمره تحقیقات با رویکرد ترکیبی یعنی تلفیقی از روشهای کمّی و کیفی است و روش گردآوری داده ها از دو طریق کتابخانه ای و میدانی انجام خواهد گرفت. داده های اسنادی شامل آمارنامه ها، گزارشات و طرح های انجام شده شهرداری و سایر مراکز ذیربط با موضوع می باشد. داده های میدانی از طریق پرسشنامه و مصاحبه انجام خواهد شد. از طریق فعالیت پیمایشی به جمع آوری و ثبت اطلاعات مکانی در ارتباط با فضاهای بی دفاع مبادرت خواهد شد.

با توجه به ماهیت داده های تحقیق که کمی و کیفی خواهد بود از روشهای مناسب آماری برای توصیف، تحلیل و تفسیر داد ه ها استفاده خواهد شد. در این راستا از نرم افزار های مناسب آماری چون Spss و نرم افزارهای مناسبی چون Arc GIS وArc View و اکستنشن های مربوطه برای نمایش و ارائه داد ه های مکانی استفاده می گردد

**4-** **ابزار گردآوری اطلاعات**

در مرحله شناخت، از اطلاعات موجود در آرشیوها، کتابخانه ها و مراکز و سازمانهای اداری مرتبط با موضوع استفاده خواهد شد. نقشه ها ی مختلف طرح های جامع، تفصیلی، هوایی و ماهواره ای از دیگر منابع جمع آوری اطلاعات مکانی می باشد. پرسشنامه (با سوالات باز و بسته ) و مصاحبه از دیگر ابزار گرد آوری داده ها ی میدانی این تحقیق خواهد بود.

**5- جامعه آماري و نمونه**

چارچوب مکانی این تحقیق مناطق بهسازی شده محله هرندی (مثل میدان رجب علی خیاط، معبر خیام و. . ) و عودلاجان در منطقه 12 تهران می باشد. ساکنین در گرو ه های سنی 18 به بالا محله هرندی با24000 نفر و محله عودلاجان با22000 نفر جامعه آماری تحقیق را تشکیل می دهند که با سطح اطمینان 95 در صد تعداد 377 نفر از طریق فرمول کوکران به عنوان جامعه نمونه محله هرندی و تعداد 378 نفر به عنوان جامعه نمونه محله عودلاجان برای پرسشگری برآورد شده اند. پرسشگری به روش تصادفی ساده انجام خواهد گرفت.

**6- جرم، بزه یا بزهکاری**

برخی از حقوقدانان معتقدند نقض قانون هر کشوری در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آنرا تجویز نکند مستوجب مجازات هم باشد جرم محسوب می شود. برخی دیگرهر فعل یا ترک فعلی را که نظام، صلح وآرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد جرم میدانند (جباری، 1388).

**7- محیط**

بخشي از فضا و مكاني است كه انسان، حيوان و گياهان در آن زندگي مي كنند واژه هاي محيط طبيعي يا محيط فيزيكي شامل آب و هوا، اشكال زمين خاكها و پوشش گياهي و محيط انساني يا محيط فرهنگي است كه در آثار پديده هاي خلق شده از سوي انسان، همچون شهرك ها و شهرها، نواحي صنعتي و سازماندهي اجتماعي و سياسي را دربر مي گيرد (فرانك سيف الديني؛ 39).

محيط به مجموعه شرايط خارجي كه موجود زنده را احاطه كرده و به نحوي در رفتار و فعاليتهاي آنها مؤثر افتد اطلاق مي شود(شكويي، 1375؛114). ضمناً مطابق يافته هاي جغرافياي رفتاري غالباً سه محيط در رفتار و فعاليتهاي انساني مؤثر مي باشد:

الف) محيط پديداري: شامل محيط طبيعي، محيط ماهر، محله، محيط كار، محيط عبادتگاه، محيط دانشگاه، محيط خانه، تراكم جمعيت و. . . شرايط مطلوب و يا نامطلوب اين محيطها در رفتار و كيفيت فعاليت انسان مؤثر مي افتد.

ب) محيط شخصي: شامل جغرافياي شخصي افراد (نقشه ذهني) نظام اعتقادي، نگرشها، پايگاههاي اجتماعي، اقتصادي و. . .

ج)محيط زمينه ساز:

1) مراحل چرخه زندگي براساس سن و پايگاههاي خانوادگي .

2) سطح زندگي با توجه به شاخصهاي مربوط به ميزان ثروت و پايگاه اقتصادي محيط زندگي و شيوه زندگي طبقه اول، دوم، سوم (شکویی؛1375؛113).

محيط جغرافيايي:جغرافيا پديده هاي سطح زمين را در ارتباط با شرايط مكاني پديده ها تحليل مي كند. اين پديد ه ها كه در رابطه با رفتار و نقش ساختار جامعه موجوديت پيدا مي كنند؛ مفاهيم پوشش جغرافيايي قلمرو چشم انداز جغرافيايي، چهر ه هاي جغرافيايي و در نهايت محيط جغرافيايي را مطرح مي سازند. در واقع محيط جغرافيايي از درهم تنيدگي شرايط اجتماعي، اقتصادي ساختار جامعه و لايه زندگي به وجود می آيد. از اين رو مفهوم محيط جغرافيايي قبل از همه تأكيد در موجوديت و حضور ساختار جامعه دارد و در طرح اين مفهوم نمي توان ساختار جامعه را از شرايط محيطي جدا ساخت(شكويي، 1375، 115).

**8- فضاهای بی دفاع**

فضاهاي بي دفاع معلول اتفاقاتي هستند كه در شهر رخ ميدهد زيرا به علت بزرگ شدن يا بزرگ بودن شهر و كم رنگ شدن و عدم كنترل مناسب فيزيكي و اجتماعي، فضاهايي به وجود ميآيند كه فعاليتهاي غيرمجاز و متعارض با هنجارهاي جامعه در آن نقاط صورت ميگيرد كه آثار نامطلوبي بر پيكر جامعه مي گذارد و به حادث شدن انواع خشونت ها منجر ميگردد. از اين رو اين مطالعه در پي شناخت ويژگي هاي فضاهاي بي دفاع شهري يا جرم خيز و تعيين ويژگي هاي فيزيكي و اجتماعي بر اساس ديدگاه هاي مطرح شده، بررسي ويژگيهاي فيزيكي و اجتماعي متفاوت فضاهاي بي دفاع بر اساس نوع خشونت و مطالعه ي نقش اين عوامل در بيدفاع كردن فضاها به نوع خاصي از خشونت است(محسنی تبریزی و همکاران، 1390).

**9- آسیبهای اجتماعی**

 هر پدیده نامطلوب و مضر در سلامت جامعه (نظیر جنایت، جرم) را آسیبهای اجتماعی می نامند (آقایی، 1389). آسیب اجتماعی همان ناهنجاری و اختلالی است که در جامعه رخ داده است در حالیکه آسیب پذیری بستر ورود آسیب و شرایط ورود به آن است.

**10- رابطه بین بزهکاری، احساس ناامنی و طراحی محیطی**

تاکید بردو مسئله بسیار ساده، نقطه شروعی برای رفع این نقیصه به شمار آید. اول آنکه مسلما " برخی از انواع خاص جرم و احساس ناامنی ریشه در محیط اطراف دارند. مثلا"اینکه آیا ملکی در نظر یک سارق هدفی بالقوه به حساب می آید یا نه، ممکن است این موضوع بستگی به این داشته باشد که آیا سارق در محیط اطراف آن ملک، فرصتهای لازم برای ورود و فرار از خانه بدون دیده شدن پیدا کرده است یا نه، و مثالی دیگر اینکه آیا زنی که دیر وقت در پیاده روها قدم می زند، از این کار احساس امنیت می کند یا نه، و احساس امنیت این فرد به این موضوع بستگی دارد که پیاده روها تا چه اندازه روشن بوده و یا اینکه محیط اطراف پیاده رو تا چه حد پوشیده از گیاه باشد(چرا که می تواند مخفیگاه مهاجمین قرار گیرد). در این مثال و بسیاری از مثالهای دیگر، مسائل محیطی تنها دغدغه های موجود نیستند ولی به احتمال قوی بخش مهمی از آنرا شکل می دهند، بنابر این حذف این عامل تحت عنوان (جبرگرایی محیطی)کاری نادرست و برخلاف(تجربه) است(اشنایدر وتدکیچن، 1387، 402). شاید یکی از دلایلی که در گذشته برخی از نظرات موجود، درباره رابطه میان جرم و طراحی محیط به عنوان نوعی (جبرگرایی محیطی) مورد انتقاد قرار می گرفتند، آن بود که این نظرات از وجود رابطه ای ساده؛ تک بعدی وسببی میان این دو سخن می گفتند. به عبارت دیگر، این باور در آنها استوار بود که صرف پرداختن به یک ضعف محیطی خاص یا اتخاذ نگرشی ویژه درباره کاری که می بایست بر اساس یک دیدگاه محیطی انجام گیرد، مشکل جرم را حل خواهد کرد. به نظر می رسد چنین وضعیتی به ندرت در جهان واقع پیش می آید. در بسیاری موارد، مجموعه ای پیچیده از عوامل فرهنگی، اجتماعی واقتصادی دخیل خواهد بود. دغدغه های محیطی در برخی موارداز اهمیت قابل توجهی برخوردار هستند، ولی در بسیاری از موارد تنها یکی از چندمین عاملی محسوب می شودکه باید در مورد آنها به کسب اطلاعات پرداخت. این نشان می دهد که ابتکار عمل های محیطی را باید به عنوان بخشی از یک اقدام چند جانبه در قبال مشکل جرم به حساب آورد و به تنهایی به آن نپرداخت(اشنایدر وتدکیچن، 1387، 406). اگر روش به کار گرفته شده بخواهدامکان موفقیت خود را به حداکثر برساند، باید به جای آنکه فرض اولیه خود را براین قرار دهد که یک اقدام ضربتی تنها اقدام مورد نیاز است، باید به صورت کل نگرانه ومستمر وارد عرصه کار شود. اگر چه این امکان نیز وجود داردکه پس از بررسی های دقیق راه حل هایی که به عنوان بخشی از این روش کل نگرانه مورد مطالعه قرار می گیرند، بر این باور برسیم که تمام آنچه که یک موقعیت خاص به آن نیاز دارد، برنامه ای خاص مبتنی بر تغییر محیطی است(اشنایدر وتدکیچن، 1387، 402).

**11- نظريه طراحي در برابر جرم**

تقريباً همزمان با شكل گيري نظريه پيشگيري جرم از طريق طراحي محيطي، در جامعه علمي بريتانيا تئوريهاي مشابهي مطرح گرديد. به طوري كه پونيز در خلال دهه 1980 در كتاب خود با عنوان طراحي جرم ستیز اظهار داشت؛ براي جلوگيري از وقوع جرايم شهري بايستي به مكانهاي با امكان دسترسي سريع مجرمين(و همچنين امكان خروج سريع)توجه كافي شود. چراكه اين مكانها عامل مهمي در وقوع جرايم هستند . اين ديدگاه برخي مشخصات كالبدي شهر را مؤثر در وقوع جرم دانسته و به طراحان شهر براي ساخت فضاهاي مقاوم تر در برابر جرم توصيه هايي دارد(کلانتری؛1380، 88).

**12- پيشگيري از جرم از طريق طراحي محيطي**

در سال 1969 ”جفري“ اولين كسي بود كه نظريه پيشگيري از جرم از طريق طراحي محيطي را مطرح كرد(عباسی ورکی، 1387، 46). او که یک جرم شناس بود، رویکردی اساسا" آکادمیک داشت، که بر اساس آمیزه ای از نظریه روانشناسی، رفتارگرا و آموزشی بوده و تعامل بین موجود زنده ومحیط یا ترکیبی از نیروهای بیوژنیک ومحیطی را شامل می شود(اشنایدر وتدکیچن، 1387؛138). پیش گیری بر این مفهوم ساده مبتنی است که جرم تا اندازه ای پیامد فرصتهای برخاسته از محیط است، اکنون که چنین است، دگرگونی محیط فیزیکی به منظور کاستن ارتکاب جرم باید امکان پذیر شود(کلکوهن، 1387، 110).

کرو(1997) نه راهبرد اصلی سپتد را شناسایی کرد. آنها در ستون در سمت راست جدول فهرست شده اند و در ستون چپ رابطه آنها با اصول مکان قابل دفاع نیومن نشان داده شده است. توجه داشته باشید که دو راهبرد از راهبردهای CPTED، برنامه ریزی وارتباط، عناصر غیرمکانی هستند و هیچ شباهتی به اصول مکان قابل دفاع ندارند (اشنایدر وتدکیچن، 1387، 141).

**13- قلمروگرايي**

قلمرو گرایی روشی از طراحی است که بر تقویت افکار مالکانه تأکید می‌کند و یک احساس مالکیت در استفاده کنندگان از فضا به وجود می‌آورد که در نتیجۀ آن فرصت‌های جرم برای بزهکاران با استفاده از ایجاد مانع برای استفاده کنندگان غیر قانونی، کاهش می‌یابد. (Coznez, Saville and Hiller, 2005, p. 356). به عبارت دیگر طراحی فضاهای شهری باید به گونه‌ای باشد که فضاهای عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی از یکدیگر متمایز شوند، زیرا اگر این فضاها متمایز شوند هر فرد نسبت به فضای خود احساس تعلق خواهد کرد و در نتیجه در صورت ورود افراد غریبه یا مهاجم وی را مورد مراقبت و نظارت قرار خواهد داد. (قورچی بیگی، 1386، ص 77). به عبارتی از آنجايي كه افراد احساس تعلق و مالكيت نسبت به اموال و املاك خود دارند و از آنها محافظت مي كنند، مي توان فرصت هاي بزهكاري را از بزهكاران گرفت. استفاده از حصار برای مشخص نمودن مرزمالکیتهای عمومی، نیمه عمومی وخصوصی می تواند در حس قلمروگرایی موثر باشد. از آنجا که ­قلمرو گرایی؛ بیشتر بر این اندیشه استوار است که طراحی شهری سبب تسهیل نشانه‌های روان شناختی مالکیت ساکنین بر فضاها می‌شود، فضاهایی که با این دید سازماندهی و طراحی شده باشند علاقۀ خصوصی به مالکیت و مکان را به املاک عمومی گسترش می‌دهد تا ساکنین انرژی بگیرند و نگرش‌های مالکانه اتخاذ کنند و اختیارات قدرتمند قلمرو گرایی را اعمال کنند. بی تردید این موضوع به عنوان یک عامل باز دارنده طبیعی و مهم عمل می‌کند، در نتیجه با طراحی که در آن مسئلۀ قلمرو گرایی منظور شده باشد، حتی مستأجرهای منازل دولتی برانگیخته می‌شوند تا از فضاهای خارج از آپارتمان‌های خودکه مالکشان نیستند، نیز محافظت و دفاع کنند(بیات، شرافتی پور، عبدی، 1384، 40).

**14- نظارت طبيعي**

طراحی فیزیکی این قابلیت را دارد که فرصت‌های نظارت طبیعی و غیر رسمی ساکنان را افزایش دهد (چایلد، 1379، 53). نظارت را می‌توان بخشی از محافظت بالقوه محله دانست. اگر مجرم تصور کند که در صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت، اگر چه به واقع نیز این گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد شد. زیرا مجرم در «فرایند گذار از اندیشه به عمل» منافع و خطر ارتکاب جرم را می‌سنجد. وی می‌داند که در این محله به علت نظارت بالقوه، احتمال دخالت ساکنان، پلیس و نهایتاً دستگیری بالا خواهد بود در نتیجه از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد. در مطالعه‌ای که در رابطه با گرایش‌ها و افکار مجرمان انجام شده است، دو عامل در متوقف کردن مجرمان بسیار مؤثر تلقی شده است: اول نشانه‌ها و علائم تصرف و دیگری نظارت. (Bennett,1986,41)نظارت طبیعی که با جایگزینی وطراحی مناسب پنجره ها، نور، چشم اندازها، قدرت دید ساختمانها و اموال را افزایش می دهدGeneral Guidelines For Designing Safer Communities,2000,7)) بر سه گونه است: غیر رسمی یا طبیعی (از طریق پنجره‌ها)، رسمی یا سازمان یافته، و مکانیکی(روشنایی و CCTV). نظارت طبیعی و غیر رسمی وقتی محقق می‌شود که منزل به گونه‌ای طراحی شود که ساکنان بتوانند به راحتی هم به فضاهای عمومی و هم نیمه خصوصی کاملاً نظارت داشته باشند. این نظارت معمولاً از طریق پنجره‌ها ممکن می‌شود. به نظر جاکوبز نظارت طبیعی بدین معناست که ساکنین منازل قادر باشند حیاط، گاراژ یا پارکینگ خیابان را مشاهده نمایند. نظارت رسمی یا سازمان یافته نظارتی است که توسط افرادی مانند محافظان امنیتی یا نگهبانان انجام می‌شود. نظارت مکانیکی با بهبود روشنایی و نصب دوربین‌های مدار بسته (CCTV) قابل اجراست. مجموعاً بهبود نظارت اعم از طبیعی، رسمی (نگهبان) و مکانیکی(CCTVو نورپردازی مناسب فضا) در کاهش جرم و ترس ناشی از جرم مؤثر است (قورچی بیگی، 1386، 77). سارقین اغلب از رفت و آمد در مکان‌هایی که بر آن نظارت کافی انجام می‌گیرد، می‌ترسند. بنابراین می‌توان به وسیلۀ ایجاد دید مؤثر بین مکان عمومی و خصوصی به نظارت طبیعی دست یافت. موقعیت ساختمان‌ها، دسترسی‌ها و مکان‌های ملاقات با نورپردازی مناسب و با به‌کارگیری شبکه بندی معابر جذاب خطر جرم را کاهش می‌دهد(McCamley,2001, 6). مطالعات زیادی دربارۀ تجهیزات روشنایی، سطوح و استانداردهای روشنایی وجود دارد اما مطالعاتی که به تأثیر روشنایی در میزان جرم و ترس از جرم می‌پردازند اندک است. یکی از موارد استثنا تحقیق اخیر پینتر و فارینگتون در مورد خانه‌های سازمانی دادلی انگلستان است که نشان می‌دهد؛ بهبود وضع روشنایی نه تنها ترس از جرم را کاهش می‌دهد بلکه باعث می‌شود تا میزان بزهکاری در محله‌های مجاور نیز کمتر شود (بیات، شرافتی پور عبدی، 1384، 40).

**15- کنترل دسترسی‌ها**

کنترل دسترسی‌ها يک مفهوم طراحي محیطی است که اصولاً به کاهش فرصت­هاي جرم از طريق کنترل و کاهش امکان دستیابی بزهکار به هدف‌های مجرمانه و ايجاد يک احساس خطر براي بزهکاران گفته می‌شود (Iranmanesh,2004,p. 1). کنترل دسترسی‌ها و نظارت ورودی‌ها در برگیرنده هر سه راهبرد نظارت غیررسمی یا طبیعی (مانند تعریف فضا)، نظارت رسمی و سازمان یافته (مانند استخدام یک نگهبان) و نظارت مکانیکی (مانند نصب قفل یا آیفون تصویری) است. تحقیقات نشان می‌دهد مناطقی که دارای ورودی‌های دسترسی نامنظم و بی قاعده‌ای هستند نسبت به مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدودی هستند؛جرائم بیشتری را تجربه می‌کنند. علاوه بر این مطالعات نشان می‌دهد خانه‌هایی که در ابتدای محله (سر کوچه) واقع می‌شوند؛نسبت به خانه‌هایی که در داخل و مرکز کوچه قرار دارند، بیشتر مورد سرقت قرار می‌گیرند. مضاف بر اینکه، خانه‌هایی که دسترسی به آن‌ها آسان است مانند خانه‌هایی که در تقاطع چهارراه‌ها واقع شده‌اند نسبت به مناطق مسکونی که دسترسی به آن محدود است (مانند کوچه‌های بن بست) میزان سرقت در آن‌ها بیشتر است(قورچی بیگی، 1386، 78).

**16- تصوير ونگهداری از فضا**

طراحی و مدیریت محیط تاثیر بسزایی در رفتار انسانی دارد(7Kian Hoon,2003,2). نگرش فضای مقاوم در برابر بزهکاری بر این نکته تأکید دارد که میزان امنیت در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنین و محله‌های مجاور از آن فضا دارند. اگر ساکنان تصویر بدی از فضا داشته باشند احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد بود. ارتقاء و بهبود تصویر مثبت از محیط و حفظ و نگهداری مناسب و روزانۀ از محیط این اطمینان را به ساکنان می‌دهد که محیط فیزیکی کارکرد خود را به طور موثری انجام داده و موجب انتقال پیام‌های مثبت به تمام ساکنان و کاربران فضا خواهد شد. تحقیقات زیادی ثابت می‌کند که میان نگهداری و حفاظت محیط شهری با کاهش جرائم رابطه وجود دارد. هر چه محیط و محله بهتر نگهداری شود؛ علاوه بر آنکه قلمرو گرایی را میان ساکنان افزایش می‌دهد، احساس تعلق به محله را ارتقاء داده و این حس را القاء خواهد کرد که این محله دارای فضای امنی است و کوچک‌ترین انحراف و خطایی در این محله با واکنش روبرو خواهد شد. خانه‌ها و فضاهای خالی و بلا تصدی به مانند یک آهن ربا در برابر جرم عمل می‌کنند. این بخش از مفهوم نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی با نظریۀ پنجره‌های شکسته[[5]](#footnote-5)رابطۀ تنگاتنگی دارد (قورچی بیگی، 1386، ص 77). ارتباط محیط‌های شهري خشن وبه همریخته با افزایش جرم به نظریه پنجره‌هاي شکسته تعبیرمی‌شود. این نگرش به وسیله (ویلسون) و (کلینگ) درسال 1982 ارائه شد(کلانتری، 1380، 17). این تئوری پیشنهادمی‌کندکه تکرار وقوع جرایم می‌تواندواحدهای همسایگی رابه روبه زوال بکشد. متأسفانه آثاراین خرابی (تراکم آشغال، پنجره‌های شکسته، خرابی فضای بیرون ساختمان‌ها) درواحدهای همسایگی برای یک مدت زمان طولانی باقی می‌ماند وانسان‌هایی که دراین مناطق کاروزندگی می‌کنند؛احساس آسیب‌پذیری وعدم امنیت کرده شروع به ترک آنجامی‌کنند(Cineros,1995). به عبارت دیگر اگر یک محله تمیز باشد، دیوارنویسی‌ها سریع پاک شود و هرگونه خرابی به سرعت تعمیر شود، این تصور در ذهن همه ایجاد خواهد شد که این محله ملک بدون صاحب نیست، علاوه بر اینکه تمیزی محیط می‌تواند تصوری مثبت القاء کند. اصطلاحی که امروزه در این بخش به کار می‌رود مدیریت امنیت و فضای قابل مدیریت (در برابر فضای قابل دفاع) است(قورچی بیگی، 1386، 78).

**17- سخت کردن هدف**

سخت کردن هدف، سنتی‌ترین روش پیگیری از جرم و در عین حال یکی از اجزای نظریه (CPTED)است. هدف از سخت کردن دستیابی به اهداف مجرمانه، افزایش امنیت فیزیکی اهداف جرم است، تا بدین وسیله کار مجرمین به هنگام ارتکاب جرم مشکل­تر شود. این روش بر این فرض استوار است که می‌توان از طریق کاهش درجه آسیب پذیری هدفهایی که فرصت ارتکاب جرم را فراهم می­آورند از وقوع جرم جلوگیری کرد(نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، 1377، 323). استفاده بیش از حد و افراطی از تاکتیک­های سخت سازی آماج جرم موجب ایجاد «جوی نظامی» در محله می­شود و بدین وسیله ساکنان در پشت موانع فیزیکی قرار گرفته و قابلیت خود نظارتی آن‌ها در محیط آسیب می­بیند و حتی ممکن است تأثیر سایر اجزای نظریه (CPTED)خنثی شود (Tseloni and et. al, 2004, p66).

**18- كاربري زمين**

كاربري اراضي شهري يك اصل مهم در ديدگاه فضاي مقاوم در برابر بزهکاری است. بر اساس اين ديدگاه برنامه ريزي و طراحي مناسب كاربري هاي مختلف در سطح شهرها باعث ايجاد فضاهايي مي شود كه جذابيت كمتري براي بزهكاران دارد و با ايجاد اين گونه فضاها در مناطق مختلف شهر مي توان از فرصت هاي محيطي جرم كاست. اين تئوري بر دو ويژگي مهم كاربري زمين تأكيد دارد. يكي كاربري اراضي مجاور و تأثير فعاليت هاي پيراموني بر يك مكان و ديگري اين كه يك مكان چگونه مي تواند به وسيله سبك خاصي از طراحي حمايت شود. ترکیب کاربریها هم به دلایل اقتصادی، زیباشناسی، امنیتی، محیطی و اقتصادی مهم است. چرا که ترکیب کاربریها بایستی با یکدیگر سازگاری داشته باشد. مثلا"درطراحی نواحی مسکونی، تعدادی از کارکردها شامل (خیابان ها، میدان یا پارک، ساختمان های مسکونی، و. . ) بایستی قابلیت سکونت و پیاده روی درمکان خرید، کار وتفریح را ایجاد کند (19Kian Hoon,2003,).

پس از ”نيومن“ پژوهشگران ديگري روش هاي مختلفي ارائه كردند، روش هاي طراحي ساختمان كه فضا را قابل رؤيت كرده و دفاع از آن را آسان تر مي كند:

* بهبود روشنايي فضاهای عمومی
* حذف فضاهای مخفی شدن بزهكاران؛
* كاهش فضاهاي باز؛گنگ وتعریف نشده؛
* افزايش معبرهای خصوصی.

در معرض ديد قرار دادن فضا باعث مي شود تا انگيزه ي مجرمانه فرصت بروز نيابد و احتمال دستگيري و شناسايي نيز مانع از تحريك انگيزه ي بزهكار گردد.

**19- فضاي مقاوم در برابر بزهكاري**

در سال 1970 اسكار نيومن“نظريه فضاي مقاوم در برابر بزهکاری[[6]](#footnote-6) را به عنوان ابزاري جهت كاهش جرم در نواحي شهري مطرح ساخت(رحمت؛1388، 111). او معتقد بود فضاهايي كه امكان ديدن و ديده شدن در آنها بيشتر باشد و در ضمن امكان كمي براي فرار وجود داشته باشد پتانسيل كمتري براي فعاليت مجرمان فراهم مي كنند. برخي از مناطق به طور طبيعي قابليت ديد زيادي دارند، در حالي كه برخي ديگر همچون مناطقي كه داراي خيابان هاي كم نور و يا تونل هاي عابر پياده و كوچه هاي بن بست هستند، ممكن است چنين قابليتي نداشته باشند. اگر بزهكاران فكر كنند كه در معرض ديد قرار دارند، احتمال وقوع بزهكاري كمتر مي شود. با تغيير محيط زيست، طراحي، تعيين محل قرارگيري ساختمان ها و فضاي اطراف آنها، امكان نظارت بيشتر فراهم مي شود. ”نيومن“ تغييرات طراحي را به شكل مستقيم با كاهش جرايم مرتبط كرد(عباسی ورکی؛ 1387، 48).

از نظر او با طراحي مكان ها و فضاهاي شهري به گونه اي كه در معرض ديد و كنترل محلي باشند از وقوع جرايم فرصت طلبانه جلوگيري به عمل خواهد آمد. از نظر اين ديدگاه طراحي محيطي قابليت ايجاد احساس پنهان وابستگي محلي را در ميان ساكنين دارد(عباسی ورکی؛ 1387، 48). نمونه هايي از تدابير مورد توجه در كنترل و يا قابل ديد نمودن فضاها و كاهش احتمال بزهكاري عبارت است از:

الف-خصوصي سازي و انفرادي كردن فضاهاي عمومي و نيم هعمومي درون و اطراف بلو كهای ساختمانی

ب-كوتاه كردن و يا حتي تخريب راهروهاي داخلي، معابر مسقف و بالكن هاي قابل دسترس؛

ج-افزايش ميزان نظارت بر ورودي ها و معابر مسقف پاركينگ هاي اتومبيل، گاراژهاي زيرزميني، مكان هاي بازي، تسهيلات همگاني و. . .؛

د-طراحي ساختمان ها و زمين هاي اطراف آنها به نحوي كه داخل و خارج منطقه، از راه پنجره ها و ساير نقاط مسلط به راحتي قابل رؤيت باشد؛

ه-ترغيب فعاليت در مناطقي كه كمتر مورد استفاده قرار مي گيرد مانند فراهم كردن نيمكت در مناطق بازي؛

و-كنار هم قراردادن محل عبور وسايل نقليه و افراد پياده به جاي تفكيك كامل آنها؛

ز-طراحي ساختمان ها و محيط اطراف آنها به گونه اي كه فرصت پنهان شدن در مناطق مسكوني به حداقل برسد. (Bennet & Wright, 1984)

**20- اصول عملی در ساختمانهای مسکونی چند واحدی**

در خانه های چند واحدی از قبیل آپارتمانها، برجها، شهرکهای عمودی و. . . به دلیل تجمع زیاد افراد و خروج افراد؛ بحث پیشگیری از جرم، متفاوت از ساختمانهای تک واحدی است. آپارتمانها و مجموعه های مسکونی چندواحدی تاثیرات رفتاری خاصی بر ساکنین دارند. با توجه به نیازهای جامعه برای تامین مسکن افراد، باید یک سیاست تقنینی برای معماری مناسب، درخصوص میزان و نحوه ساخت اینگونه اماکن، در نظر گرفت. نکته مهمی که در بحث کاهش جرم در مناطق مسکونی عمودی بایدمورد توجه قرار گیرد، تقویت حس تعلق به محیط دراینگونه مناطق است. بالا بودن تعداد استفاده کنندگان از نقاط مختلف ساختمانهای عمودی در بسیاری از مواقع حس وابستگی به محیط را برای ساکنین کاهش می دهد. راه حلهای ذیل می تواند برای افزایش تعلق به محیط مورد استفاده قرار گیرد:

* کاستن از تعداد افراد استفاده کننده ازیک پله یا ورودی مشترک
* کاستن از تعداد افراد استفاده کننده ازیک بالکن یاراهرو مشترک
* کاستن از تعداد افراد استفاده کننده ازفضای سبز واحد مشترک
* کاستن از تعداد افراد استفاده کننده از یک پارکینگ مشترک
* افزایش استفاده ازحیاط به صورت فعال(رحمت، 1388، 194).

**21- جمع بندی و نتیجه گیری**

در اين پژوهش تلاش بر اين بود كه با استفاده از رويكردهاي نظري و تجربي مربوط به فضاهاي بي دفاع شهري به طور اخص، به شناسايي ويژگي هاي فضاهاي بيدفاع و تبيين رابطه ي ويژگي فضاها با نوع آسیب اجتماعی و پاسخگويي به سؤال هايي از اين قبيل پرداخته شود كه چه تفاوت هايي در ويژگي هاي فيزيكي فضاهاي بيدفاع بر اساس نوع خشونت وجود دارد؟ چه تفاوت هايي در ويژگي هاي اجتماعي فضاهاي بيدفاع بر اساس نوع آسیب وجود دارد؟ چه عواملي داراي نقش بيشتري در بيدفاع شدن فضاها هستند؟ و كدام يك از عوامل سبب تفاوت در نوع خشونت در فضاي خاصي ميشود؟

فضاهاي بيدفاع شهري داراي ويژگي هاي متعددي هستند كه آنها را بيدفاع ميكنند. اين ويژگي ها بر اساس نوع خشونت در اكثر فضاهاي بي دفاع وجود دارند و تنها در چند مورد داراي تفاوت با يكديگر هستند. بيشتر ويژگي ها در شدت هاي كم و زياد در اكثر فضاهاي بيدفاع وجود دارند، اما، اغلب آنهاا بر اساس نوع خشونت داراي شدت هاي متفاوتي هستند؛ چنان كه در بعضي از فضاها (بر حسب نوع آسیب)، در شدت زياد و در فضاهايي نيز به صورت جزئي مشاهده مي شوند. علاوه بر اين، ويژگي هاي مشاهده شده بر حسب تعداد دفعات تكرار نيز با يكديگر تفاوت دارند، چنان كه يك ويژگي تنها در فضاهاي يك نوع خشونت با شدت زياد مشاهده مي شود، در حالي كه ويژگي ديگري در دو يا سه فضا و حتي در چهار نوع فضا با شدت زياد مشاهده مي شود. بنابراين، فضاهاي بيدفاع شهري بر حسب شدت و دفعات تكرار در چهار دسته ويژگي هاي عمومي، نيمه عمومي، اختصاصي و نيمه اختصاصي قابل دسته بندي هستند. ويژگي هاي عمومي و نيمه عمومي شدت دهنده و ويژگي هاي اختصاصي و نيمه اختصاصي جهت دهنده هستند. ويژگي هاي شدتدهنده سبب افزايش بيدفاع بودن فضاها ميشوند و ويژگي هاي جهت دهنده نيز سبب بي دفاع شدن فضاها به نوع خاصي از خشونت و غالب شدن يك نوع خشونت در يك فضا مي شوند.

طبق يافته هاي به دست آمده ميتوان گفت كه در بي دفاع شدن فضاهاي شهري هر دو بعد فيزيكي و اجتماعي فضاهاي شهري مؤثرند و نظرياتي كه تنها بر يك بعد از ويژگي هاي فضاهاي بيدفاع براي كنترل خشونت توجه كردهاند (چه فيزيكي، چه اجتماعي) نمي توانند كليت فضاهاي بيدفاع را به طور متناسب نشان، داده سبب كاهش خشونت شوند. بنابراين، نظرياتي كه بر هر دو بعد توجه كردهاند، كليت فضاهاي بيدفاع را بهتر نشان ميدهند. از سوي ديگر، نظريات تك بعدي نيز تنها با توجه به نوع خشونت ميتوانند مورد توجه قرار گيرند. در بيدفاع شدن فضاها هر دو بعد تأثير دارند، اما در مقام مقايسه با توجه به نتايج به دست آمده بر حسب نوع آسیب هاي بررسي شده، عوامل اجتماعي بيشتر از عوامل فيزيكي فضاها را براي وقوع مزاحمت بي دفاع مي كنند. همچنين، عوامل اجتماعي نقش بيشتري در مستعد كردن فضاها براي وقوع كيف قاپي و نزاع و درگيري دارند، اما عوامل فيزيكي نقش بيشتري در مستعد كردن فضاها براي وقوع سرقت دارند. بنابراين، راهكارهاي معطوف به كاهش خشونت از طريق طراحي شهري بايد بر هر دو بعد فيزيكي و اجتماعي فضاها، به طور همزمان توجه كند تا بتواند بيشترين تأثير را بر كاهش خشونت و جرائم از طريق طراحي شهري و مداخله در محيط اطراف بگذارد.

**مراجع**

* ابوالوردی؛غزل(1389)؛طراحي الگوي مسکن پايدار در برابر زلزله در بافت کهن تهران نمونه موردي: مسکن فرهنگيان در عودلاجان؛ رشته شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس
* اشنايدر، تاد (1385)، "پيشگيري از وقوع جرم از طريق طراحي محيطي درمراكز آموزشي "، ترجمة سروش بهربر، چاپ اول، تهران : انتشارات دانشگاه علوم انتظامي
* اشنايدر، ريچارد و تدكيچن (1387)؛ برنا مه ريزي شهري براي پيشگيري ازجرم، ترجمة فرزان سجودي، تهران: انتشارات ميزان.
* اك و همكاران (1387)، تهيه نقشه براي تحليل بزهكاري، شناسايي كانون هاي جرم خيز، ترجمه محسن. كلانتري و مريم شكوهي، ص 44.
* ايرانمنش، نسيم (1384)؛استفاده از اصول جلوگيري از جرايم از طريق طراحي محيطي و بررسي اجمالي آن در ايران، نشريه مسكن و انقلاب، شماره 110
* بارانی، محمد وهمکاران(1389)، تحليل الگوهاي مكاني- زماني بزهكاري در مناطق شهري)مطالعه موردي: جرايم سرقت به عنف و شرارت و باج گيري در بخش مركزي شهر تهران(؛فصلنامة علمي - پژوهشي انتظام اجتماعي؛ سال دوم؛ شمارة اول؛ بهار و تابستان
* بیات، بهرام، جعفر شرافتی پور و نرگس عبدی، 1387 پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، طراحی و چاپ ادارۀ تبلیغات، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی- ادارۀ کل مطالعات اجتماعی.
* بيانلو، يوسف(1388)، بررسى عوامل مؤثر برسرقت هاى ايستگاهى و غير ايستگاهى در شهرهاى استان زنجان، دفتر تحقيات كاربردى ناجا.
* تختي، بيتا (1385)؛نقش فضاهاي بي دفاع شهري در كاهش حس امنيت در شهروندان. نشريه مسكن و انقلاب، شماره 115، صفحات 64-75
* توكلي، مهدي (1384)، شناسايي و تحليل كانو ن هاي جرم خيز شهر زنجان با استفاده از سيستم اطلاعات جغرافيايي پايان نامه كارشناسي ارشد، تهران :دانشگاه علوم انتظامي
* جباري، كاظم (1388)، ارزيابي و تحليل فضايي كانو ن هاي جرم خيز شهري بامورد مطالعه بخش مركزي شهر با استفاده از سامانه هاي اطلاعات جغرافيايي تهران، پايان نامه كارشناسي ارشد رشته جغرافيا و برنامه ريزي شهري به راهنمايي دكتر محسن كلانتري، دانشكده علوم انساني، دانشگاه زنجان
* جيسون، سوزان و ويلسون پل آر (1387)؛ طراحي محيطي جرم ستیز، پيشگيري جرم از طريق طراحي محيطي، ترجمه دکتر محسن کلانتري و ابوذر سلامي بيرامي، دفتر تحقيقات کاربردي پليس پيشگيري ناجا.
* حبیبی، سید محسن (1383)، ازشارتاشهر، چاپ پنجم، انتشارت دانشگاه تهران. تهران.
* رحمت، محمد رضا(1388)، پیشگیری از جرم از طریق معماری وشهرسازی، راهکارهای نوین پیشگیری از جرم، نشر میزان
* رستگار، موسی(1388)، ارائه الگوی مکان یابی بهینه فضاهای ورزشی با استفاده از GIS، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
* روحانی، محمد رضا(1388)، شناسایی وتحلیل فضایی کانونهای جرم خیز شهری با استفاده از سامانه هاي اطلاعات جغرافيايي، پايان نامه كارشناسي ارشد، دانشگاه زنجان
* زنگی آبادی، علی وهمکاران(1389)، تحلیل فضایی جرم در شهر کرج با استفاده از GIS، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق وعلوم سیاسی، دوره 40، شماره 2، تابستان.
* سازمان نوسازی شهر تهران(1387)، چگونگی تدوین گونه هاي مسکن در نوسازي بافت هاي فرسوده(نمونه موردي: محله عودلاجان تهران و پروژه نواب)، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری، مشهد مقدس
* سلطانزاده، حسین (1367)، مقدمه ای برتاریخ شهر وشهرنشینی درایران، نشرنی، تهران.
* عباسي ورکی، الهام (1387)، شناسايي و تحليل فضايي كانونهاي بزه قاچاق مواد مخدر و سوء مصرف شهر قزوين با استفاده از سامانه هاي اطلاعات جغرافيايي؛ پايان نامه كارشناسي ارشد رشته جغرافيا و برنامه ريزي شهري به راهنمايي دكتر محسن كلانتري، دانشكده علوم انساني، دانشگاه زنجان.
* عبداللهي حقي، مريم (1383)؛ پيشگيري از جرم از طريق برنامه ريزي كاربري اراضي شهري مورد تحقيق سرقت در شهر زنجان، پايان نامه كارشناسي ارشد، دانشگاه زنجان
* غنی زاده، جهان، (1389)؛ آسیب شناسی عوامل محیطی، کالبدی تسهیل کننده ارتکاب بزهکاری در مناطق شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، (جغرافیا و برنامه ریزی شهری) دانشگاه زنجان.
* فدایی نژاد، سمیه(1385)، تحلیل اثر تغییرات کالبدی عناصر شاخص محله بر بافتعودلاجان(از دوره قاجار تا به امروز)، نشریه هنرهای زیبا، شماره 28؛ زمستان
* فدایی نژاد، سمیه(1389)، بررسی سیر تحولات بافت و تاثیرآن بر خاطره زدایی از بافت های کهن، باغ نظر، شماره ششم
* قزلباش، سمیه(1387)، ناهنجاريهاي كالبدي در مناطق اسكان غيررسمي شهرها و تأثير آن بروقوع ناهنجاريهاي اجتماعي؛ مورد مطالعه: منطقه اسكان غيررسمي بيسيم در شهر زنجان؛ پايان نامه كارشناسي ارشد، دانشگاه زنجان
* قورچي بيگي، مجيد، مباني نظري پيشگيري از جرم از طريق طراحي محيطي (CPTED)، مجموعه مقالات همايش منطقه¬اي پيشگيري وضعي از بزهکاري(دانشگاه آزاد ابرکوه يزد)، ص77، 1386.
* قیداری، فتانه (1386)، نقش سکونتگاههای غیررسمی درگسترش فیزیکی شهر زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
* کیدنز، دیوید وهمکاران(1388)، نوآوریهای GISوکاربردهای اجتماعی –اقتصادی علم اطلاعات جغرافیایی، فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تخقیقات کاربردی
* كي نيا، مهدي (1373)، مباني جرم شناسي، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم.
* كلارك؛رونالد(1387)، نظريه پيشگيري جرم از طريق طراحي محيطي؛؛ ترجمه: دكتر محمدحسن جعفريان، فصلنامه مطالعات مديريت انتظامي؛ سال سوم، شمارة سوم، پاييز
* كلانتري، محسن(1380)، بررسي جرم وجنایت در مناطق شهر تهران، پايان­نامه‌ دكتري، تهران، دانشگاه تهران
* كلانترى، محسن(1386)؛ به كارگيرى سامانه اطلاعات جغرافيايى در پيشگيرى و كنترل بزهكارى؛همايش منطقه اى پيشگيرى وضعى از بزهكارى ابركوه: دانشگاه آزاد اسلامى واحد ابركوه.
* كلانترى، محسن و صفرى، اسماعيل (1387)، كاربرد فناورى هاى نوين در امور پليسى (مورد مطالعه: نقشه نگارى بزهكارى). فصلنامه مطالعات پيشگيرى از جرم؛ سال سوم، شماره ششم
* کلانتری، محسن و مریم عبداللهی حقی (1387) کمبود توقفگاه‌های عمومی‌و تأثیر آن در وقوع سرقت وسایل نقلیه یا لوازم آن در بخش مرکزی شهر زنجان، مجلۀ اصلاح و تربیت، شمارۀ12.
* کلانتری وهمکاران (1388)، بررسي جغرافيايي كانو نهاي جرم خيز شهر زنجان مورد مطالعه: جرايم مرتبط با مواد مخدر
* کلانتری وهمکاران (1388)، ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی؛ فصلنامه دانش انتظامی – سال دوازدهم – شماره سوم
* کلانتری وهمکاران (1388)، شناسایی کانونهای جرم خیز شهری با استفاده از مدلهای آماری گرافیک مبنا وسامانه اطلاعات جغرافیایی با استفاده از (GIS)موردمطالعه :سرقت در شهر زنجان، فصلنامه مظالعات پیشگیری از جرم، ناجا، دفتر تحقیقات کاربردی
* كلانتري، محسن(1388) طرح شناسايي و تحليل كانون هاي جرم خيز شهر با استفاده از سامانه هاي اطلاعات جغرافيايي؛ مورد مطالعه جرايم سرقت به عنف، شرارت و باجگيري تهران: دفتر تحقيقات كاربردي پليس پيشگيري نيروي انتظامي.
* کلانتری، محسن وهمکاران (1388)، مديريت و تحليل داده هاى بزهكارى در بخش مركزى شهر تهران بااستفاده از تكنيك هاى درون يابى و سامانه هاى اطلاعات جغرافيايى. فصلنامه مطالعات مديريت انتظامى، سال چهارم، شمارة چهارم
* کلانتری؛محسن وهمکاران (1389)؛تحليل فضايي الگوهاي بزه سرقت در بخش مركزي شهر زنجان با استفاده از سامانه هاي اطلاعات جغرافيايي؛ فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.
* کلانتری، محسن وهمکاران(1390)، ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده ازراهبردهای پیشگیری جرم باطراحی محیطی، فصلنامه دانش انتظامی –سال دوزادهم، شماره سوم.
* کلانتری، محسن وبیرامی، ابوذر(1390)، طراحی شهری وپیشگیری بزهکاری(راهنمای مرجع)، نشرآذر کلک.
* کلکوهن، ایان (1387)؛ طراحی عاری از جرم ایجاد مناطق امن و پایدار، ترجمه دکتر مهرداد رایجیان اصلی و دکتر حمید رضا عامری سیاهویی، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
* محمد نسل؛غلامرضا وهمکاران(1388)، نقش موقعيت در بزهكاري؛فصلنامة علمي - پژوهشي انتظام اجتماعي؛ سال اول؛ شماره سوم؛ پاييز.
* مديري، آتوسا (1385)، جرم، خشونت و احساس امنيت در فضاها عمومي شهر، فصلنامه علمي، پژوهشي رفاه اجتماعي، سال ششم، شماره 22
* مسگرانه طرقبه، محمد(1377)؛جرائم شهري و لزوم سياستگذاري پيشگيرانه، مجله حقوقي وقضايي دادگستري.
* مشهدیزاده دهاقانی، ناصر (1373)، تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ چهارم.
* مومنیان، آرزو (1390)، نقش طراحی شهری در فرایند بازآفرینی بافتهای تاریخی در چارچوب سیاست توسعه پایدار اجتماعی(محلهعودلاجان)، رشته شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس
* میراث(1392)، وعده اي ديگر براي احياي عودلاجان؛شنبه 7 دی ماه
* میرخلیلی، سید محمود(1387)، توسعه شهرها وضرورت پیشگیری وضعی بزهکاری، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق وعلوم سیاسی، دوره 38، شماره 3، پاییز.
* نجابتي، مهدي (1379)؛ نقش طراحي صحيح واحدهاي مسكوني در پيشگيري از وقوع جرم، نشريه امنيت، سال چهارم، شماره سيزدهم و چهاردهم.
* هريس، كيت (1386). اصول و روش هاى تهيه نقشه بزهكار ى؛ ترجمه محسن كلانترى و مريم شكوهى. تهران:سازمان تحقيقات و مطالعات ناجا.
* *Anselin, L. Cohen. Cook, D. Gorr, W. and Tita, G. (2000),* Spatial Analysis of Crime, Measurement and Analysis of Crime and Justice, Edited by David Dattee,Vol. 4 of Criminal Justice
* Bennett,Trevor,(1986) ,Situational Crime Prevention Frome The Offender Perspective,In Heal& Laycoke.
* Clarke,Ronald V(1984), Theorical Background To Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) And Situational Prevention, Australan Institue Of Criminology, P10.
* Clarcke, Ronald V(1986), The Theory Of Crime Prevention The Environmental Design.
* Cozens, P. M. Hillier, D. and Prescott, G (2000), Crime and the Design of Newbuild Housing and Country Planning, Vol. 62, P. 231
* Cozens,P. M and et all(2005), Crime Prevention Through Environmental Design,PropertyManagement, Vol 23, No 15, p238,.
* G. Cineros,­ Henry(1995),­The­"Broken Window"­Theory, Seattle Police Department's website, juanry.
* Iranmanesh, Nasim(2004), Using The Principles Of Crime Prevention The Environmental Design In Iran, 9th Annual International CPTED Conference, P1.
* McCamley, Phil(2001), CRIME, DESIGN AND URBAN PLANNING: FROM THEORY TO PRACTICE, first published in the Royal Australian Planning Institute magazine, New Planner, p. 6.
* Michael Cozens, Paul and Greg Saville, David Hillier(2005), Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography, Journal:Property Management.
* Painter, Kate and David P. Farrington. (1997). “The Dudley Experiment”. In Situatonal Crime Prevention: Successful Case Studies (Second Editon), edited by RonaldV. Clarke. Albany, NY: Harrow and Heston.
* Tseloni, A, Wittedbrood, K, Farrell, G, Pease, K. (2004) , Burglary victimization in England and Wales, the United States and the Netherland: a cross-national comparative test of routine activities and lifestyle theories, the British Journal of Criminology, Vol. 44 No, 1.
* Chandra, C. and Kumar, S. (2000) .Supply Chain Management in Theory and Practice: A Passing Fad or a Fundamental Change?., Industrial Management & Data Systems, 100:3, 100-113.
* Saunders, M.N.K. and Cooper, S.A. (1993) Understanding Business Statistics, London, DP Publicatio Ltd.
* Teghem, J. (2001) .Solving Multi-Objective Combinatorial Optimization with Metaheuristics., MIC.2001 - 4th Metaheuristics International Conference, 16-20 July, Porto, Portugal, 673-677.
1. - Pinatel [↑](#footnote-ref-1)
2. - Sutherland [↑](#footnote-ref-2)
3. - Stefani [↑](#footnote-ref-3)
4. - W. Rowson [↑](#footnote-ref-4)
5. . Broken Windows Theory [↑](#footnote-ref-5)
6. -Defensible Space [↑](#footnote-ref-6)